Iranian Journal of Insurance Research JR
Scientific Research Quarterly Journal
Vol. 35. No.4. Winter 2021

Identifying and Prioritizing the Factors of Favorable Corporate Governance in Iran Insurance Company

Mashallah Salami[1], Mohammad Reza Bagherzadeh[2], Asadollah Mehrara[3], Mehrdad Matani[4]

Received: 08/19/2020 **Accepted**: 11/15/2020

Abstract

Objective: The purpose of this study is to identify the factors of favorable corporate governance in Iran Insurance Company and prioritize them using fuzzy TOPSIS method.

Method: This study is a descriptive, applied and multi-methods research. Fifteen experts participated in the qualitative study and a sample of 152 people took part in the questionnaire survey. The research tools were the semi-structured interview guidline and a questionnaire.

Finding: The model was presented in 5 selected codes, 12 axial codes and 74 sub-themes. The components were ranked based on value weights in the survey. The component of separating the role of chairman of the board of directors and managing director had the highest value weight among 74 indicators (0.9675). then, the professional competence of the members of the board of directors had the highest value rank. The lowest rank is related to the component of the selected employee representative.

Conclusion: The results showed that among the highest value components, 6 components are related to the effectiveness of the board of directors and among lowest value rating components, 6 components are related to stakeholder management. Therefore, the effectiveness of the board of directors is the most important and the management of the beneficiaries is the least important factors in the governance of Iran Insurance Company.

Keywords: Corporate Governance, Good Governance, Iran Insurance Company, Theme Analysis, TOPSIS.

JEL Classification: K29, M38, L32, L88, C83.

---

1. Ph.D Student in Public Administration, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Iran. **(Corresponding Author).** sh.salami56@yahoo.com.
2. Assistant Professor of Public Administration, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Iran. dr.mr.bagherzadeh@Gmail.com.
3. Assistant Professor of Public Administration, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Iran. mehrara_a@yahoo.com.
4. Assistant Professor of Public Administration, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Iran. matanimehrdad@yahoo.com.

(DOI): 10.22056/JIR.2020.241605.2762

فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه بیمه JR
سال سی‌وپنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹

شناسایی و اولویت بندی عوامل حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت بیمه ایران

شمس‌اله سلامی[۱]، محمد رضا باقرزاده[۲]، اسداله مهرآرا[۳]، مهرداد متانی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

چکیده

هدف: این تحقیق با هدف شناسایی عوامل حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت بیمه ایران و اولویت‌بندی آنها با استفاده از روش تاپسیس فازی انجام شده است.

روش‌شناسی: تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی مبتنی بر روش آمیخته بوده است. در شناسایی عوامل از روش تحلیل مضمون و در اولویت‌بندی مولفه‌ها از روش تاپسیس فازی استفاده شده است. جامعه خبرگان در فاز کیفی شامل ۱۵ نفر از مدیران بیمه ایران و نمونه آماری در فاز کمی شامل ۱۵۲ نفر بود. از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه نیز به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها: مدل تحقیق در قالب ۵ کد انتخابی، ۱۲ کد محوری و ۷۴ مضمون فرعی با استفاده از روش دلفی از اجماع نظر خبرگان به‌دست آمد. در پیمایش مدل تحقیق، مولفه‌ها بر مبنای وزن‌های ارزشی رتبه‌بندی شدند. نتایج نشان داد مولفه تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل بیشترین وزن ارزشی و مولفه نماینده منتخب کارکنان کمترین وزن ارزشی را در بین ۷۴ شاخص دارا بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: حاکمیت شرکتی ابزاری بهینه برای حمایت از حقوق سهامداران و ذی‌نفعان در صنعت بیمه است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، حاکمیت شرکتی، تاپسیس فازی، تحلیل مضمون، شرکت بیمه ایران.

طبقه‌بندی موضوعی: K29، M38، L32، L88، C83.

---

۱. دانشجوی دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر(**نویسنده مسئول**). sh.salami56@yahoo.com

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر. dr.mr.bagherzadeh@Gmail.com

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر. mehrara_a@yahoo.com

۴. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر. matanimehrdad@yahoo.com

مقدمه

صاحب‌نظران، سه مکتب فکری عمده شامل حکمرانی خوب[1]، حکمرانی دولتی[2] و حکمرانی شرکتی[3] که هر یک به سطح ویژه‌ای از حکمرانی اشاره دارند را در ادبیات حکمرانی از یکدیگر متمایز نموده‌اند (ازبورن[4]، ۲۰۰۶). به این ترتیب که مدل حکمرانی خوب در سطح بین‌المللی و مدل حکمرانی دولتی در سطح دولت‌ها جایگزین مدیریت دولتی شده و مدل حکمرانی شرکتی نیز در سطح شرکت‌ها مطرح است. در این بین، بانک جهانی برای حکمرانی خوب شش ویژگی شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولتی، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد برمی‌شمارد (کافمن[5] و همکاران، ۲۰۱۰). حاکمیت در بخش عمومی نیز شامل تدابیری برای حصول اطمینان از دستیابی به نتایج برنامه‌ریزی شده برای ذی‌نفعان است. در خصوص حکمرانی شرکتی در شرکت‌ها به‌طور عام و شرکت‌های بیمه که قلمرو این پژوهش هستند به‌طور خاص؛ اصول عامی شامل اصل بی‌طرفی[6]، اصل شفافیت[7]، اصل پاسخگویی[8] و اصل مدیریت ریسک[9] وجود دارد که بر اساس اصل بی‌طرفی، شرکت باید در خصوص ذی‌نفعان شرکت به‌طور یکسان رفتار کند (بنویدی، ۱۳۹۰). در این بین، ایفای صحیح اصول پاسخگویی، شفافیت و رعایت حقوق سهامداران و ذی‌نفعان خصوصاً در شرکت‌های بیمه در گرو اجرای صحیح اصل مدیریت ریسک است و بیمه‌گران به‌عنوان امانت‌دار گروهی از افراد (بیمه‌گذاران)، وظیفه دارند در وهله اول شرایطی فراهم نمایند که حقوق بیمه‌گذاران رعایت شود؛ در وهله دوم منافع

1. Good Governance
2. State Governance
3. Corporate Governance
4. Osborn
5. Kaufman et al
6. Fairness
7. Transparency
8. Accountability
9. Risk Management

بیمه‌ای برای صاحبان بنگاه ایجاد نمایند (جیراپورن[1]، ۲۰۱۵). در ایران، با اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر خصوصی‌سازی، صنعت بیمه نیز از این قاعده مستثنی نماند و امروزه، شرکت بیمه ایران تنها شرکت بیمه دولتی است که در صنعت بیمه کشور فعالیت دارد. تنها مستند قانونی حاکمیت شرکتی در صنعت بیمه نیز آیین‌نامه شماره ۹۳ شورای عالی بیمه است که به استناد بند ۵ ماده ۱۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری در تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ به تصویب شورای عالی بیمه رسیده و اصول کلی و اساسی حاکمیت شرکتی شرکت‌های بیمه ایران را در برمی‌گیرد. کل صنعت بیمه و موسسات بیمه‌ای فعال در کشور نیز ملزم به رعایت آیین‌نامه مزبور می‌باشند؛ این در حالی است که شرکت بیمه ایران به‌علت مالکیت تمام دولتی و انتصابات هیأت مدیره و مدیرعامل در سایه سیاست‌های دولت، ساختاری متفاوت با سایر شرکت‌های بیمه دارد و الزامات حاکمیت شرکتی خاصی برای پاسخگویی به ذی‌نفعان و جامعه، پاسخگویی هیأت مدیره به مجمع عمومی، تقابل رابطه دولت، سازمان و جامعه و ... نیاز دارد. از سویی، صرف‌نظر از چارچوب‌های قانونی، ساختار مالکیت شرکت‌ها شامل دو بعد تمرکز مالکیت و هویت سهامداران، به وضوح زیربنای مدل حاکمیت شرکتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تمام مسائل حاکمیت شرکتی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ساختار مالکیت شرکت برمی‌گردد (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). لذا، اگر همین تنها افتراق مالکیت شرکت بیمه ایران با سایر موسسات فعال در صنعت بیمه کشور باشد، عملکرد بهینه آیین‌نامه ۹۳ شورای عالی بیمه، در خصوص شرکت بیمه ایران محل تأمل است.

بنابراین، شناسایی عوامل موثر بر حاکمیت شرکتی مطلوب شرکت بیمه ایران از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و تحقیق حاضر با بررسی این موضوع سعی نمود پاسخگوی این پرسش باشد که شاخص‌های حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت بیمه

1. Jiraporn

ایران کدامند؟ و اولویت‌بندی آنها چگونه است؟ تا بتواند یک چهارچوب مشخصی برای حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت بیمه ایران ارائه کند.

بنابراین، در ادامه این مقاله چنین سازماندهی شده که ابتدا پیشینه مطالعات مرتبط با موضوع اعم از داخلی و خارجی مرور شده است. سپس مبانی نظری حاکمیت شرکتی و انواع مدل‌های آن معرفی گردیده است. بعد از آن درباره روش تحقیق توضیحات لازم ارائه شده و با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از نمونه آماری، مدل حاکمیت شرکتی مطلوب برای بیمه شرکت بیمه ایران پیشنهاد شده است.

۱.مروری بر پیشینه پژوهش

در خصوص همه شاخص‌های حاکمیت شرکتی توافقی وجود ندارد و فقط درباره برخی از آنها اجماع نظر وجود دارد. در این بین، اثربخشی هیأت مدیره و ترکیب و تنوع آن از مهم‌ترین شاخص‌های مطرح در این زمینه است. مؤسسه کنفرانس هیأت مدیره[1] (۲۰۰۳) معتقد است مسؤلیت نهایی حاکمیت شرکتی خوب با هیأت مدیره شرکت است. فاما و جنسن[2] (۱۹۸۳) و سندا و همکاران[3] (۲۰۱۰) نیز استدلال می‌کنند هیأت مدیره مؤثرترین مکانیسم کنترل داخلی برای نظارت بر رفتار مدیریت ارشد است که این نظارت می‌تواند از طریق به‌کارگیری اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره صورت پذیرد. میزان استقلال هیأت مدیره یکی دیگر از عواملی است که بر کارایی هیأت مدیره تأثیر مثبت دارد. موث و دونالدسون[4] (۱۹۹۸) معتقدند هنگامی که هیأت مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضا غیرموظف تشکیل شده باشد عملکرد شرکت ارتقا خواهد یافت. حنیفه و حدیب[5] (۲۰۰۶) با تجزیه و تحلیل ۳۴۷ شرکت پذیرفته

1. Conference Board
2. Fama & Jensean
3. Senda et al
4. Muth & Donaldson
5. Hanife & Hudaib

شده در بورس کوآلالامپور[1] شواهدی را ارائه نمود که نشان می‌داد شرکت‌هایی که در آنها نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره یکی است، به خوبی شرکت‌هایی که رهبری هیأت مدیره در آنها منفک شده، عمل نمی‌نمایند. براون و کایلور[2] (۲۰۰۹) هم از این عقیده که شرکت‌ها وقتی پست‌های مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره آنها منفک باشند، با ارزش‌تر هستند، حمایت کردند. نتایج تحقیقات دیگر نظیر دالتون و همکاران[3] (۲۰۱۱) نشان می‌دهد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل اغلب اهداف متضادی دارند که تفکیک آنها به عملکرد بهتر منجر می‌شود. براون و کایلور (۲۰۰۹) نشان دادند شرکت‌هایی که تعداد هیأت مدیره‌های آنها بین ۶ و ۱۵ است، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص بالاتری نسبت به هیأت مدیره‌های با اندازه‌های دیگر دارند. از دیگر موضوعات مورد بحث در تحقیقات درباره ترکیب و ساختار هیأت مدیره، تنوع مهارت از نظر تجربه و دانش اعضاء است. اریکسون و همکاران[4] (۲۰۰۵) نشان دادند هیأت مدیره دارای دانش مالی و حسابداری، نظارت کاراتری بر مدیریت شرکت دارد و باعث می‌شود ارزش شرکت افزایش یابد. پورسید و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند اعضای فاقد تجربه و دانش حسابداری یا مالی، توانایی کمتری در کشف مشکلات موجود در گزارشگری مالی دارند. حجازی و مختاری‌نژاد (۱۳۹۶) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین تخصص اعضاء هیأت مدیره و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوس وجود دارد. هو و پتچسالونگ[5] (۲۰۱۰) نشان دادند استقلال هیأت مدیره و اندازهٔ شرکت بر کارایی شرکت اثر مثبتی دارد. بلک و همکاران[6] (۲۰۰۶) با بررسی شرکت‌های کره‌ای نشان دادند شرکت‌هایی با اعضای هیأت مدیره مستقل، ارزش بازاری بالاتری دارند. کاویانی و همکاران (۱۳۹۷) که تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی

1. KLSE
2. Brown & Caylor
3. Dalton et al
4. Erickson et al
5. Hsu & Petchsakulwong
6. Black et al

صنعت بیمه کشور را بررسی کرده‌اند به این نتیجه رسیدند که هر چه استقلال هیأت مدیره بیشتر باشد کارایی شرکت‌های بیمه بیشتر می‌شود. همچنین نتایج نشان داد اندازه، استقلال و تخصص مالی هیأت مدیره اثر مثبت و معناداری بر کارایی شرکت‌های بیمه دارد. فیلاچیو و همکاران[1] (۲۰۱۹) نشان دادند نظارت درونی و بیرونی تحت تأثیر ساختارهای مالکیت قرار دارند و مالکیت بیشترین اثر را بر نظام حاکمیت شرکتی دارد. تانگ و همکاران[2] (۲۰۱۳) نشان دادند شرکت‌هایی که مالکیت نهادی بیشتری دارند، نسبت به مدیران عامل خود حساس‌ترند و از آنان انتظار عملکرد بهتری دارند. همچنین تمرکز جغرافیایی فعالیت اثربخشی کارکرد نظارتی حاکمیت شرکتی را افزایش می‌دهد. ناصری (۱۳۹۵) به بررسی و طراحی چارچوب حاکمیت شرکتی بخش عمومی در ایران پرداخته و چنین نتیجه گرفت که فرایند خادمیت، ساختار و ترکیب هیأت مدیره، کنترل نظارت و مدیریت ریسک، رهبری استراتژیک و استانداردهای رفتاری، ساختار و تمرکز سرمایه، مدیریت ذی‌نفعان، شفافیت پاسخگویی و گزارش‌دهی بیرونی مولفه‌های حاکمیت شرکت می‌باشند. پاک مرام و لطفی (۱۳۹۷) به بررسی ابعاد حاکمیت شرکتی با عملکرد مالی و ریسک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران پرداخته‌اند. نتایج نشان داد بین ترکیب هیأت مدیره و عملکرد مالی در هر دو بعد (نرخ بازدهٔ دارایی‌ها و حقوق صاحبان سهام) ارتباط مثبت و بین ترکیب هیأت مدیره و ریسک در هر دو بعد (ریسک مالی و تجاری) ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بین اندازهٔ هیأت مدیره و نرخ بازدهٔ دارایی‌ها نیز رابطهٔ منفی و معنی‌داری مشاهده شد. شوزری و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین حضور سهامداران نهادی، تعداد اعضای غیرموظف هیأت مدیره، اندازهٔ هیأت مدیره، نقش دوگانهٔ مدیرعامل و عملکرد رابطهٔ معناداری وجود

1. Filatchev et al
2. Tang et al

دارد. حمیدیان و همکاران (۱۳۹۵) وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کرده‌اند و نتایج نشان داد اثربخشی هیأت مدیره بر عملکرد و ارزش شرکت تأثیر مستقیم دارد.

همان‌گونه که مرور تحقیقات پیشین نشان می‌دهد بررسی حاکمیت شرکتی و عوامل موثر بر آن در شرکت‌های بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی فعال در بازار سرمایه در داخل و خارج از کشور مسبوق به سابقه است. اما، بررسی علمی و نظام‌مند حاکمیت شرکتی مطلوب با هدف ارائه یک مدل بومی در تنها شرکت دولتی بیمه ایران سابقه ندارد و تحقیق حاضر با هدف پوشش شکاف تحقیقاتی مزبور به منصه ظهور رسیده است.

۲. مبانی نظری

حاکمیت شرکتی یکی از سیاست‌های اجرایی نظریه حکمرانی خوب است که در دو سطح بهبود عملکرد شرکت‌ها و اصلاح نظام مالی دولت مؤثر است (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۵) و تاریخچه طرح آن به جدایی اداره از مالکیت باز می‌گردد، جایی که هیأت مدیره به‌عنوان مجموعه‌ای متمایز از سهامداران، قدرت تصمیم‌گیری در سازمان را برعهده گرفت و امکان تشکیل شرکت‌های سهامی را فراهم کرد (بلک و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، حاکمیت شرکتی به تشریح سازماندهی داخلی و ساختار قدرت شرکت، نحوهٔ ایفای وظایف هیأت مدیره، ساختار مالکیت شرکت و روابط متقابل میان مدیریت، سهامداران و سایر ذینفعان به خصوص نیروی کار شرکت و اعتباردهندگان آن می‌پردازد و درصدد افزایش انصاف، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است (حاشی[1]، ۲۰۰۴). ساختار راهبری شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌ها بین فعالان مختلف سازمان

1. Hashi

مثل هیأت مدیره، مدیران، سهامداران و دیگر ذی‌نفعان را مشخص می‌کند و قواعد و رویه‌هایی را برای تصمیم‌سازی معین می‌کند.

در سال ۲۰۱۴ فدراسیون بین‌المللی حسابداران[1]، نهاد رسمی پاسخگویی و مالی عمومی[2] چارچوب حاکمیت شرکتی بین‌المللی به شرح زیر برای بخش عمومی مطرح نمود:

- ✓ به منظور داشتن یک عملکرد حاکمیتی خوب در بخش دولتی باید نهادها در تمامی زمان‌ها منافع عمومی را در نظر گرفته و در جهت آن اقدام نمایند.
- ✓ اقدام در جهت منافع عمومی نیازمند تعهد قوی به تمامیت، ارزش‌های اخلاقی و نقش قانون و مشارکت باز و جامع ذی‌نفعان می‌باشد.
- ✓ تشریح نتایج با توجه به مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی پایدار و تعیین مداخلات لازم برای بهینه‌سازی دستیابی به نتایج منتخب.
- ✓ توسعه ظرفیت نهاد، ازجمله توانایی رهبر و افراد موجود در آن.
- ✓ مدیریت ریسک و عملکرد از طریق کنترل داخلی و مدیریت مالی عمومی.
- ✓ اجرای رویه‌های خوب در ارتباط با شفافیت و گزارشگری برای ارائه پاسخگویی مؤثر (سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی[3]، ۲۰۱۴).

موضوع اصلی در تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر دولتی و غیردولتی بودن شرکت‌ها تمرکز دارد. حاکمیت در بخش دولتی شامل سیاست‌ها و رویه‌های استفاده شده جهت اداره فعالیت‌های سازمان به منظور فراهم آوردن اطمینان معقول جهت دستیابی به اهداف و انجام فعالیت‌ها به‌صورت اخلاقی و به شیوه پاسخ‌گویانه تعریف می‌شود. چالش اصلی در این زمینه یافتن تعادل میان مسئولیت دولت برای انجام فعال وظایف مرتبط با مالکیت، نظیر معرفی و انتخاب اعضای هیأت مدیره، همزمان با اجتناب دولت از دخالت‌های بی‌مورد سیاسی در اداره شرکت است. چالش مهم دیگر

1. International Federation of Accountants
2. Chartered Institute of Public Finance and Accountancy
3. Organisation for Economic Co-operation and Development

فراهم کردن یک میدان بازی عادلانه در بازار است، به‌گونه‌ای که شرکت‌های بخش خصوصی توانایی رقابت با شرکت‌های بخش عمومی را داشته باشند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج مطالعات بسیاری که درباره نوع مالکیت انجام شده، نشان‌دهندهٔ بهبود ارزش مؤسسه‌هایی است که به تغییر در نوع مالکیت خود یا به خصوصی‌سازی (تغییر مالکیت دولتی به غیردولتی) اقدام کرده‌اند (بوبکری و همکاران[1]، ۲۰۰۳). بنابراین با توجه به نوع مالکیت شرکت‌های دولتی و غیردولتی به‌نظر می‌رسد تأثیرگذاری سازوکارهای شرکتی بر عملکرد شرکت‌های مختلف از هم متفاوت باشد. در طراحی مدل‌های حاکمیت شرکتی مولفه‌های متنوعی توسط صاحب‌نظران درنظر گرفته شده که با ساختار سرمایه، مالکیت، قوانین و بسترهای حقوقی و فرهنگی جوامع و کشورها مطابقت دارد. در ادامه، مهم‌ترین مدل‌های معتبر بین‌المللی در خصوص رتبه‌بندی، سنجش و گزارش نحوه حاکمیت شرکتی به شرح جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. مدل‌های معتبر حاکمیت شرکتی

ردیف	شرح	سال	ابعاد حاکمیت شرکتی
۱	انجمن مدیران انگلستان[2]	۲۰۱۶	اثربخشی هیأت مدیره/ حسابرسی و ریسک/ پاسخگویی خارجی/ بازپرداخت و پاداش روابط با سهامداران/ روابط با ذی‌نفعان
۲	سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی	۲۰۱۴	ایجاد زیربنای لازم برای اجرای حاکمیت شرکتی موثر/ حمایت از حقوق سهامداران عمده و جزء/ رفتار یکسان با کلیه سهامداران/ توجه به نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی/ شفافیت و افشای اطلاعات/ تعیین مسئولیت‌های هیئت مدیره
۳	فدراسیون بین‌المللی حسابداران و نهاد رسمی پاسخگویی و مالی عمومی	۲۰۱۴	استانداردهای رفتاری/ ساختار سازمانی و فرایندها/ کنترل (داخلی خارجی)/ نظارت داخلی/ گزارش‌گری سالانه/ استانداردهای مناسب/ معیارهای عملکرد و حسابرس مستقل

1. Boubakri
2. The Institute of Directors

ردیف	شرح	سال	ابعاد حاکمیت شرکتی
۴	سند حاکمیت شرکتی بخش دولتی و غیرانتفاعی[1]	۲۰۱۳	نقش‌ها و مسئولیت‌ها/ ساختار هیأت مدیره/ هدف و استراتژی ریسک و پذیرش مدیریت/ اثربخشی هیأت مدیره/ تمامیت و پاسخگویی/ ایجاد سازمان فرهنگ و خلاق/ مشارکت با ذی‌نفعان
۵	روش رتبه بندی پاسخگویی، موسسه استاندارد اندپورتز[2]	۲۰۰۷	پاسخگویی هیأت مدیره/ افشای مالی و کنترل‌های داخلی/ حقوق سهامدار/ پاداش مدیران اجرایی/ وضعیت کنترل در مالکیت شرکت/ رفتار شرکت و موضوعات پاسخگویی اجتماعی آن
۶	روش گاما، واحد خدمات حاکمیت موسسه استاندارد اندپورتز[3]	۲۰۰۷	ات مالکیت/ حقوق سهامداری/ شفافیت حسابرسی/ اثربخشی هیأت مدیره/ فرایند استراتژیک/ نحوه عمل شرکت‌ها در خصوص پاداش
۷	موسسه جهانی نظارت و مقایسه ساختارهای حاکمیت شرکتی[4]	۲۰۰۵	ساختار و ترکیب هیأت مدیره/ موضوعات حسابرسی/ شرایط اساسنامه/ قوانین ایالتی و محلی/ پاداش مدیران/ عوامل کیفی مالکیت سهام مدیران/ آموزش مدیران/ عوامل کیفی/ مالکیت سهام مدیران
۸	بورس اوراق بهادار فایننشال تایمز[5]	۲۰۰۷	هیأت مدیره (ترکیب، کمیته انتصاب، سیاست‌های رأی‌گیری و اندازه)/ حسابرسی (کمیته حسابرسی، حق‌الزحمه‌های حسابرس و تعویض حسابرس)/ حقوق و روش‌های حفاظتی سهامداران (ساختار سرمایه)/ پاداش (پاداش مدیر، هزینه‌های جوایز، ذخایر بازنشستگی)/ مالکیت (درصد کل سهام تحت تملک مدیران و راهکارهای مالکیت مدیران اجرایی)

منبع: یافته‌های تحقیق

1. Corporate Governance Council
2. Governance Metrics International
3. Governance, Management, Accountability Metrics and analysis
4. Institutional Shareholder Services
5. Financial Times Stock Exchange

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها در دسته تحقیقات توصیفی- پیمایشی قرار می‌گیرد. در این تحقیق، در ابتدا به‌منظور آشنایی کلی با متغیرهای اصلی پژوهش ادبیات موضوعی شامل مباحث نظری، الگوها و مدل‌ها و رویکردهای حاکمیت شرکتی، پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق، اساسنامه وسند راهبردی شرکت بیمه ایران، قانون تجارت و مصوبات شورای عالی بیمه با رویکردی تطبیقی در منابع زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[1]

اصول حاکمیت شرکتی در انجمن بین‌المللی ناظران بیمه[2] شامل دو اصل اساسی بیمه[3] "حاکمیت شرکتی" و اصل اساسی بیمه[4] " مدیریت ریسک و کنترل های داخلی"

مطالعه تطبیقی شاخص‌های حاکمیت شرکتی در موسسات بیمه‌ای جهان شامل اسناد حاکمیت شرکتی در صنعت بیمه کشورهای: هند، مالزی، استرالیا، هنگ کنگ، ایرلند (طرح پژوهشی شماره ۶۳پژوهشکده بیمه مورد استناد قرار گرفت).

شاخص‌های مستخرج از این فاز پژوهش دسته‌بندی شده و در نهایت ۸ کد باز، مبنای سوالات مصاحبه قرار گرفت. لازم به توضیح است اساسنامه شرکت بیمه ایران و مفاد مرتبط با مولفه‌های حاکمیت شرکتی در قوانین داخلی شرکت بیمه ایران و مصوبات شورای عالی بیمه در قالب ماتریس موضوعی جهت مقایسه با نتایج این تحقیق، دسته‌بندی و تلخیص شد. با توجه به این که خبرگان پژوهش می‌بایست دارای دانش و تجربه کافی در خصوص مسائل حاکمیت شرکتی دولتی باشند، اساتید دانشگاه، اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل در شرکت بیمه ایران، مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)
2. International Association of Insurance Supervisors (IAIS)
3. ICP9
4. ICP8

شرکت‌های بیمه خصوصی و بیمه مرکزی که سابقه فعالیت مدیریتی در شرکت بیمه ایران داشته‌اند و کارشناسان خبره وزارت امور اقتصاد و دارایی در دفاتر ارتباط با شرکت‌های دولتی به‌عنوان خبرگان این تحقیق در نظر گرفته شدند. این گروه از خبرگان با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی قضاوتی به تعداد ۱۵ نفر انتخاب شدند. برای افزایش قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش، پروتکل مصاحبه شامل شیوهٔ شروع مصاحبه، ورود به بحث و سیر پرسش‌ها تدوین و در طول مصاحبه‌ها راهنمای پژوهشگر بود تا پراکنده‌گویی و نوسان زیاد در مصاحبه‌ها اتفاق نیفتد. با رعایت همهٔ اصول اخلاقی پژوهش‌های کیفی و رضایت کامل مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌ها ضبط، سپس به‌طور دقیق به متن برگردانده شد و کدگذاری باز به صورت پاراگراف به پاراگراف انجام گرفت. محققین برای این که بتوانند با تعداد کدهای کمتری کار کنند، پس از مرور چندباره و تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، کدهایی که محتوای مشترکی داشتند، در هم ادغام نموده و با کدی مشترک که از کدهای اولیه انتزاعی‌تر بود، نام گذاری گردید. در این مرحله ۷۴ کد (مضمون فرعی) به‌دست آمده که در ۱۲ مقوله (مضمون اصلی) قرار گرفت. این مفاهیم اولیه در مرحله بعد برای انسجام بیشتر و تحلیل و تفسیر منسجم‌تر در قالب مفاهیم انتزاعی‌تر کدگذاری شدند. نتایج این کدگذاری و شیوه تحلیل و ترکیب مفاهیم اولیه در قالب مفاهیم ثانویه در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۲. کدگذاری اولیه مفاهیم حاصل از تحلیل مضمون

مفاهیم ثانویه	گویه	فراوانی	مفاهیم اولیه
ساختار و ترکیب هیأت مدیره	AS1	۱۲	صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت مدیره (ترکیب بهینه از تجربه، دانش، تخصص و مهارت)
	AS2	۱۱	تفکیک نقش ریس هیأت مدیره و مدیرعامل
	AS3	۷	ترکیب اعضای موظف و غیرموظف/ اجرایی و غیراجرایی
	AS4	۱۱	استقلال هیأت مدیره در تصمیم‌گیری
	AS5	۸	تنوع و تعداد اعضای هیأت مدیره
	AS6	۳	عدم عضویت ذی‌حساب در ترکیب هیأت مدیره
جلسات هیأت مدیره	AJ1	۷	میزان حضور هر یک از اعضا هیأت مدیره در جلسات
	AJ2	۵	تعداد جلسات هیأت مدیره در سال مالی گزارش
	AJ3	۹	پروتکل تشکیل جلسات و نحوه تهیه صورت جلسات هیأت مدیره
	AJ4	۸	دبیرخانه و کارکنان مجزا هیأت مدیره
ارزیابی عملکرد و پاسخگویی	AP1	۶	وابستگی پاداش و مزایای هیأت مدیره و مدیرعامل با ارزش شرکت
	AP2	۵	مکانیزم پاسخگویی مدیرعامل به هیأت مدیره
	AP3	۴	مکانیزم پاسخگویی هیأت مدیره به مجمع عمومی
	AP4	۶	برنامه استراتژیک و عملیاتی مدیرعامل در سال مالی
	AP5	۹	تفکیک وظایف هیأت مدیره و هیأت عامل
حاکمیت داخلی	AH1	۵	ماموریت چشم انداز و ارزش‌های شرکت
	AH2	۸	کفایت و صلاحیت هیأت عامل
	AH3	۵	دستوالعمل‌های حاکمیت شرکتی
	AH4	۷	استانداردهای هدایت کسب‌وکار (مدل‌های کسب‌وکار)
	AH5	۵	راهبرد تفویض اختیارات مدیرعامل
	AH6	۱۱	فرهنگ سازمانی
مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی	ND1	۸	سیاست مدون مدیریت ریسک و وجود بانک اطلاعاتی به روز از ریسک‌های بالقوه و بالفعل
	ND2	۱۰	استقلال واحدهای نظارتی داخلی
	ND3	۳	عدم عضویت مدیران اجرایی در ساختار کمیته‌های نظارتی
	ND4	۶	صلاحیت حرفه‌ای آکچوارها و حسابرسان داخلی
	ND5	۷	گزارشات دوره‌ای آنالیز ریسک به هیأت مدیره
	ND6	۴	نقش هیأت مدیره در تخمین و ارزشیابی ذخایر فنی

مفاهیم ثانویه	گویه	فراوانی	مفاهیم اولیه
	ND7	۸	ترکیب بهینه اعضای کمیته‌های تخصصی ماده ۱۰ آیین نامه ۹۳
	ND8	۶	پاسخگویی کمیته‌های نظارتی
نظارت خارجی و عملکرد نهاد ناظر	NKH1	۵	مسئول تطبیق مقررات در ساختار سازمانی و گزارشات دوره‌ای به نهاد ناظر
	NKH2	۸	تفکیک نقش حسابرسی و بازرسی قانونی
	NKH3	۵	پاسخگویی بازرس و حسابرس خارجی به مجمع
	NKH4	۷	گزارشات دوره ای حسابرس و بازرس خارجی به هیأت مدیره
	NKH5	۸	پاسخگویی نهاد ناظر در خصوص عدم اجرای قوانین و مصوبات شورای عالی
	NKH6	۶	حسابرس و بازرس آموزش دیده خاص صنعت
کفایت افشا	SHA1	۸	افشای صورت‌های مالی
	SHA2	۱۱	افشای میزان ذخایر
	SHA3	۷	افشای لیست شرکت‌های تابعه و ساختار مالکیت و عملکرد مالی
	SHA4	۵	افشای برنامه‌های آتی سرمایه‌گذاری
	SHA5	۹	افشای ظرفیت اتکایی
	SHA6	۱۲	افشای نسبت توانگری مالی
	SHA7	۵	افشای جزئیات حقوق و مزایای مدیرعامل
	SHA8	۶	افشای زیان انباشته و مطالبات لاوصول
کیفیت افشا	SHE1	۷	کیفیت گزارشات سالانه که دربردارنده عملکرد مالی موقعیت رقابتی، ریسک‌های عملیاتی و سایر موضوعات مالی باشد
	SHE2	۴	داشتن وب‌گاه انگلیسی زبان با اطلاعات به روز (حداکثر با یک روز تأخیر)
	SHE3	۶	اختصاص بخشی از گزارش هیأت مدیره به مجمع در خصوص عملکرد شرکت در پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی
	SHE4	۵	گزارش هیأت مدیره به مجمع در مورد ساختار کنترل‌های داخلی
	SHE5	۷	به روزرسانی آخرین گزارشات مالی شرکت در وب‌گاه سازمان و کانال‌های ارتباطی
مسئولیت اجتماعی و استانداردهای اخلاقی	ZA1	۴	راه‌های ارتباطی آسان در خصوص انتقال شکایات و انتقادات بیمه‌گذاران
	ZA2	۵	سنجش میزان رضایت زیان‌دیدگان
	ZA3	۴	تصریح قانونی خدماتی که شرکت باید به عموم مردم ارائه کنند از سوی دولت

مفاهیم ثانویه	گویه	فراوانی	مفاهیم اولیه
	ZA4	۷	پوشش هزینه‌های مربوط به خدمات عمومی فراتر از کسب‌وکار
	ZA5	۶	منشور اخلاقی کارکنان (کدهای رفتاری)
	ZA6	۷	اصول و مقررات نظارتی مشتری محور
	ZA7	۶	ارتباط با نهادهای اجتماعی
رفتاریکسان با ذینفعان	ZZ1	۵	در دسترس بودن اساسنامه شرکت برای کلیه سهامداران و ذی‌نفعان
	ZZ2	۸	دستیابی به موقع همه ذی‌نفعان به گزارشات مالی
	ZZ3	۵	حمایت قانونی جبران حقوق تضییع شده ذی‌نفعان
	ZZ4	۶	گزارش رضایت ذی‌نفعان به مجمع
	ZZ5	۵	شایسته‌سالاری در انتصابات داخلی
	ZZ6	۵	تخفیفات گروهی
	ZZ7	۷	نماینده منتخب شبکه فروش
	ZZ8	۴	نماینده منتخب کارکنان
مالکیت هدفمند دولت	DH1	۵	تخصیص کارای منابع در جهت به حداکثر رساندن ارزش جامعه (مالکیت دولت در راستای نفع عموم مردم)
	DH2	۶	سیاست مالکیت مکتوب و مصوب (شامل دلایل مالکیت، نقش دولت در راهبری شرکت و مسئولت دولت)
	DH3	۹	استانداردسازی رویه‌های عملیاتی شرکت‌های دولتی
	DH4	۷	فراهم‌سازی شرایط رقابت منصفانه در بخش دولتی و خصوصی
شفافیت مالکیت	DSH1	۸	تعریف شفاف اهداف شرکت‌های دولتی (اهداف مالی، سطوح تحمل ریسک و اهداف ساختار سرمایه)
	DSH2	۵	وجود نهادی جهت پاسخ خواهی از مجمع (شورای نظارت) و پاسخگو به نهادهای نظارتی بالادستی
	DSH3	۸	شفاف‌سازی تفکیک وظایف حاکمیتی و مالکانه دولت
	DSH4	۵	عدم تبعیض برای شرکت‌های عمومی و برابری در تکالیف قانونی
	DSH5	۸	دستورالعمل مصوب نحوه نامزدی، ارزیابی و انتخاب اعضای هیأت مدیره شرکت‌های دولتی
	DSH6	۷	پروتکل نحوه برگزاری جلسات مجمع عمومی، شیوه‌نامه پاسخ‌خواهی و نظارت در شرکت‌های دولتی
	DSH7	۹	عدم دخالت دولت در مدیریت روزمره شرکت‌های عمومی

منبع: یافته‌های تحقیق

محققان با به‌کارگیری سازه‌های شعوری و اصطلاحات فنی که از پیشینه نظری و تخصصی تحلیل به‌دست آمد، بعد از چند بار رفت و برگشت میان مفاهیم و مقوله‌ها، یک مقوله در اسناد بالادستی و مصاحبه‌ها (که بیش از همه نمایان بود و همهٔ مقوله‌های سطوح بالاتر را به یکدیگر پیوند می‌داد) انتخاب و هنگامی که کفایت نظری حاصل شد، هستهٔ مرکزی حاکمیت شرکتی مطلوب بیمه ایران شکل گرفت.

جدول ۳. کدگذاری انتخابی و محوری

هسته مرکزی	کد انتخابی	کد محوری
مدل مطلوب حاکمیت شرکتی شرکت بیمه ایران	اثربخشی هیئت مدیره	ساختار و ترکیب هیأت مدیره
		جلسات هیأت مدیره
		ارزیابی عملکرد و پاسخگویی
		حاکمیت داخلی
	نظارت و مدیریت ریسک	مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی
		نظارت خارجی و عملکرد نهاد ناظر
	شفافیت و افشای اطلاعات	کفایت افشاء
		کیفیت افشاء
	مدیریت ذینفعان	مسئولیت اجتماعی و استانداردهای اخلاقی
		رفتاریکسان با ذی‌نفعان
	نهاد مالکیت	مالکیت هدفمند دولت
		شفافیت مالکیت

منبع: یافته‌های تحقیق

برای محاسبهٔ پایایی مصاحبه، از پایایی باز آزمون استفاده شد. بدین ترتیب از میان مصاحبه‌ها، ۲ مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب و هرکدام از آنها در دو فاصلهٔ زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری می‌شوند. در هرکدام از مصاحبه‌ها کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند، با نام "توافق" و کدهای غیرمشابه با نام "عدم توافق"

مشخص می‌شوند. روش محاسبهٔ پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفتهٔ پژوهشگر در دو فاصله زمانی بدین ترتیب است:

$$\text{درصد پایایی باز آزمون} = \frac{2\times\text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\% \qquad (۱)$$

پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از رابطه بالا ٪۹۱ به‌دست آمد که بیش از ٪۶۰ است. بنابراین، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید شد.

در ادامه مسیر تحقیق، از روش دلفی استفاده گردید. بدین ترتیب که با مراجعه به نظرات خبرگان و با تعیین میزان همگرایی و اجماع نظر ایشان در قالب تکنیک دلفی، شاخص‌های نهایی پژوهش تهیه شد. در این مرحله، پرسشنامه تهیه شده مشتمل بر ۷۴ سوال مطابق با یافته‌های تحقیق و در طیف ۵ گزینه ای لیکرت طراحی شد و به ۱۵ نفر از اعضای جامعه خبرگان ارائه، گردآوری و برای هر یک از شاخص‌ها مجموع امتیازات محاسبه گردید. با محاسبه میانگین سوالات، مشخص شد که هیچ یک از سوالات میانگین پایین‌تر از ۳ کسب نکرد و اجماع نظر خبرگان حاصل گردید. بنابراین فرآیند دلفی متوقف و پرسشنامه نهایی شد. برای سنجش انسجام درونی پرسشنامه از آماره آلفای کرونباخ استفاده شد. به این منظور یک نمونه ۱۴ تایی انتخاب و با استفاده از نرم افزار اس‌پی‌اس‌اس، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر ۰/۹۶ به‌دست آمد که نشانگر پایایی مناسب پرسشنامه است. جامعه آماری دوم پژوهش به‌منظور اولویت‌بندی شاخص‌های حاکمیت مطلوب بیمه ایران شامل هیأت مدیره، هیأت عامل و مدیران استانی و روسای کلیه شعب به‌عنوان مدیران میانی شرکت بیمه ایران به تعداد ۲۵۰ نفر بود که با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه مورد نیاز ۱۴۸ نفر برآورد شد. به این ترتیب تعداد ۱۶۰ پرسشنامه در بین جامعه مدنظر توزیع و تعداد ۱۵۲ پرسشنامه برگشت داده شد و مبنای تحقیق قرار گرفت.

سپس داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده با روش تاپسیس[1] فازی تجزیه و تحلیل شد که یکی از روش‌های مهم و پرکاربرد جهت رتبه‌بندی عوامل خانواده مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره[2] است و بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. از امتیازات مهم این روش آن است که به‌طور همزمان می‌توان از شاخص‌ها و معیارهای عینی و ذهنی استفاده نمود. این روش معیارهای کمی و کیفی را توامان در تصمیم‌گیری دخالت می‌دهد. خروجی آن می‌تواند ترتیب اولویت گزینه‌ها را مشخص و این اولویت را به صورت کمی بیان کند (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۹۶).

روش تاپسیس دارای پایه ریاضی مناسب است و به همین دلیل بر اکثر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره برتری دارد. البته برتری دیگری نیز دارد. این که از روش‌های جبرانی است. یعنی وزن تمامی گزینه‌ها و معیارها در تصمیم‌گیری دخالت داده می‌شود و هیچ وزنی در این روش نادیده گرفته نمی‌شود. منطق اصلی استفاده ازتکنیک‌های تصمیم‌گیری به‌صورت فازی، تأثیرگذاری عدم قطعیت توأم با تفکرات آدمی در تصمیم‌گیری می‌باشد (عالم تبریز و همکاران، ۱۳۸۸).

در این پژوهش از تکنیک‌های تاپسیس فازی برای تبدیل داده‌های کیفی و عبارات کلامی به داده‌های کمی و اعداد فازی استفاده شد که در جدول زیر نمایش داده شده است.

1. TOPSIS
2. MCDM

جدول ٤. رابطه اصطلاحات کلامی با مقادیر آن

عبارات کلامی	خیلی زیاد (VH)	زیاد (H)	متوسط (M)	کم (L)	خیلی کم (VL)
مقادیر کلامی	(۰٫۸ ، ۰٫۹ ، ۱)	(۰٫۶ ، ۰٫۷ ، ۰٫۸)	(۰٫۴ ، ۰٫۵ ، ۰٫۶)	(۰٫۲ ، ۰٫۳ ، ۰٫۴)	(۰ ، ۰ ، ۰٫۲)

منبع: یافته‌های تحقیق

گام اول: فرض کنیم ماتریس تصمیم‌گیری فازی نظر افراد درباره اهمیت عوامل حاکمیت شرکتی مطلوب به‌صورت زیر می‌باشد:

$$\widetilde{D} = \begin{bmatrix} \widetilde{x_{11}} & \widetilde{x_{12}} & \dots \widetilde{x_{1J}} & \dots \widetilde{x_{1n}} \\ \widetilde{x_{21}} & \widetilde{x_{22}} & \dots \widetilde{x_{2J}} & \dots \widetilde{x_{2n}} \\ \vdots & \vdots & \ddots \vdots & \vdots \\ \widetilde{x_{i1}} & \widetilde{x_{i1}} & \dots \widetilde{x_{iJ}} & \dots \widetilde{x_{in}} \\ \vdots & \vdots & \ddots \vdots & \vdots \\ \widetilde{x_{m1}} & \widetilde{x_{m2}} & \dots \widetilde{x_{mJ}} & \dots \widetilde{x_{mn}} \end{bmatrix} \qquad (۲)$$

$$\widetilde{W} = \left[\widetilde{W_1} \quad \widetilde{W_2} \quad \dots \quad \widetilde{W_j} \quad \dots \quad \widetilde{W_n}\right]$$

در ماتریس بالا: i تعداد مولفه‌های مورد بررسی (m) و j تعداد پاسخ دهنده (n) می‌باشد.

$\widetilde{x_{ij}}$ نظر فرد j ام دربارهٔ مولفه‌های i ام به‌صورت اعداد فازی زیر:

$$\widetilde{x_{ij}} = (a_{ij}, b_{ij}, c_{ij}) \qquad (۳)$$

$\widetilde{w_j}$ میزان اهمیت نظر هر یک از افراد به‌صورت عدد فازی زیر:

$$\widetilde{w_j} = (w_{j1}, w_{j2}, w_{j3}) \qquad (۴)$$

گفتنی است در این پژوهش به دلیل یکسان بودن میزان اهمیت نظر افراد درباره متغیرهای حاکمیت شرکتی، $\widetilde{w_j}$ برای همهٔ جامعهٔ آماری به‌صورت زیر تعریف شده است:

$$\widetilde{w_j} = (1,1,1)\ \forall j\ \in n \qquad (۵)$$

گام دوم: در این مرحله باید ماتریس تصمیم‌گیری فازی نظر افراد به یک ماتریس بی‌مقیاس شده فازی $\overline{\mathrm{R}}$ به‌صورت یکی از فرمول‌های زیر تبدیل شود:

$$\overline{\mathrm{R}} = \left[\overline{\mathrm{r_{ij}}}\right]_{\mathrm{m\times n}}$$

$$\overline{\mathrm{r_{ij}}} = \left(\frac{\mathrm{a_{ij}}}{\mathrm{cj}}, \frac{\mathrm{b_{ij}}}{\mathrm{cj}}, \frac{\mathrm{c_{ij}}}{\mathrm{cj}}\right) \qquad (۶)$$

رابطه (۷) : به طوری که در این فرمول، cj^* برای هر فرد باربر است با :

$$\mathrm{cj}^* = \max_{\mathrm{j}} \mathrm{C_{ij}}$$

$$\overline{\mathrm{r_{ij}}} = \left(\frac{\mathrm{a_{ij}}}{\mathrm{cj}}, \frac{\mathrm{b_{ij}}}{\mathrm{cj}}, \frac{\mathrm{c_{ij}}}{\mathrm{cj}}\right) \qquad (۷)$$

رابطه (۸): در این رابطه مقدار $\overline{a_j}$ از فرمول زیر برای هر فرد به‌دست می‌آید:

$$\mathrm{cj}^* = \max_{\mathrm{i}} \mathrm{a_{ij}} \qquad (۸)$$

گام سوم: ماتریس بی مقیاس وزین فازی $\widetilde{\mathrm{V}}$، با فرض بردار $\widetilde{W_{ij}}$ به‌عنوان ورودی ایجاد می‌شود، به‌طوری که:

$$\widetilde{\mathrm{V}} = \left[\tilde{\mathrm{v}}_{\mathrm{ij}}\right]_{\mathrm{m\times n}} \qquad \mathrm{i} = 1,2,\dots,\mathrm{m} \qquad \mathrm{j} = 1,2,\dots,\mathrm{n}$$

$$\tilde{\mathrm{v}}_{\mathrm{ij}} = \tilde{\mathrm{r}}_{\mathrm{ij}} \times \tilde{\mathrm{w}}_{\mathrm{j}} \qquad (۹)$$

گام چهارم: ایده‌آل مثبت فازی A^+ و ایده‌آل منفی فازی A^- به‌صورت زیر برای مولفه‌ها مشخص می‌شوند:

$$\mathrm{A}^+ = (\tilde{\mathrm{v}}_{\overline{1}}, \tilde{\mathrm{v}}_{\overline{2}}, \dots, \tilde{\mathrm{v}}_{\overline{\mathrm{m}}})$$
$$\mathrm{A}^- = (\tilde{\mathrm{v}}_{\overline{1}}, \tilde{\mathrm{v}}_{\overline{2}}, \dots, \tilde{\mathrm{v}}_{\overline{\mathrm{n}}})$$

که در این پژوهش از ایده‌آل مثبت فازی و ایده‌آل فازی چن (۲۰۰۰) استفاده شده است:

$$\tilde{\mathrm{v}}_{\mathrm{j}} = (1,1,1)$$
$$\tilde{\mathrm{v}}_{\mathrm{i}} = (0,0,0)$$

گام پنجم : اگر A و b دو عدد فازی به صورت زیر باشند، آن گاه فاصلهٔ میان آن دو با استفاده از رابطه ۱۰ به دست می‌آید :

$$\tilde{A} = (a_1, b_1, c_1)$$

$$D(A,B)=\frac{\tilde{B}=(a_2,b_2,c_2\tilde{B}=(a_2,b_2,c_2)}{\sqrt{(a_1-a_2)^2+(b_1-b_2)^2+(c_1-c_2)^2}} \quad (۱۰)$$

با توجه به توضیح بالا در مورد شیوهٔ محاسبهٔ فاصلهٔ میان دو عدد فازی، فاصلهٔ هر یک از مؤلفه‌ها را از ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی محاسبه می‌شود:

$$d_i^* = \sum_{j=1}^{n} d(\tilde{v}_{ij} - \tilde{v}_j^*) \qquad i = 1,2,\ldots.m \quad (۱۱)$$

$$d_{\bar{i}} = \sum_{j=1}^{n} d(\tilde{v}_{ij} - \tilde{v}_j^-) \qquad i = 1,2,\ldots.m \quad (۱۲)$$

گام ششم: نزدیکی نسبی مولفهٔ i ام به ایده‌آل مثبت را به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$CC_i = \frac{d_{\bar{i}}}{d_i^* + d_{\bar{i}}} \qquad i = 1,2,\ldots.m \quad (۱۲)$$

گام هفتم: CC_i را به ترتیب نزولی مرتب و بر اساس آن گزینه‌های موجود در مسئله را رتبه‌بندی می‌کنیم.

٤. یافته‌ها

٤-١. آمار توصیفی

توزیع نمونه مورد مطالعه برحسب جنسیت نشان می‌دهد که ۳۴/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان زن و ۶۵/۶ درصد مرد هستند. از نمونه تحقیق ۴۱/۹ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۴۵/۸ درصد دارای کارشناسی ارشد و ۱۲/۳ درصد دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند و بیشترین فراوانی مربوط به اعضای نمونه با مدرک کارشناسی ارشد است. در خصوص مولفه سابقه کاری ۱۷/۹ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۲۲/۱ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال، ۳۳/۱ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال و ۲۶/۹ درصد بالاتر از ۲۵ سال می‌باشند و بیشترین فراوانی مربوط به سابقه کاری بین ۲۰تا ۲۵ سال است. مولفه جایگاه و سمت سازمانی نمونه تحقیق نشان می‌دهد ۱۲/۵ درصد معاون شعب، ۳۱/۳ درصد مدیر عملیاتی، ۴۱/۹ درصد مدیر میانی و ۱۴/۳ درصد مدیر ارشد می‌باشند. بنابراین، بیشترین فراوانی مربوط به سمت مدیر میانی می‌باشد.

جدول ۵. آمار توصیفی اعضای پنل خبرگان

ویژگی	مشخصه	تعداد	درصد
میزان تحصیلات	دکتری	۱۲	۸۰
	کاندیدای دکتری	۳	۲۰
سمت	مدیران عالی شرکت بیمه ایران	۷	۴۶/۶
	اساتید دانشگاه، مدیران عالی شرکت‌های بیمه خصوصی با سابقه مدیریت در شرکت بیمه ایران و کارشناسان ارشد وزارت امور اقتصادی و دارایی	۸	۵۳/۴

منبع: یافته‌های تحقیق

٤-۲. آمار استنباطی

از تکنیک تاپسیس فازی برای رتبه‌بندی مولفه‌ها استفاده شد که نتایج در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ٦. نتایج حاصل از رتبه‌بندی شاخص‌ها با استفاده از روش تاپسیس فازی

رتبه	گویه	*CCi*	رتبه	گویه	*CCi*
۱	AS2	۰/۹۶۷۵	۳۸	ZA5	۰/۷۳۵۴
۲	AS1	۰/۹۵۸۵	۳۹	DH1	۰/۷۲۷۲
۳	AP3	۰/۹۴۷۰	۴۰	ZZ2	۰/۷۲۴۷
۴	NKH2	۰/۹۴۲۹	۴۱	DSH4	۰/۷۱۷۷
۵	ZZ4	۰/۹۳۸۹	۴۲	AS6	۰/۷۰۱۵
۶	DSH5	۰/۹۳۷۰	۴۳	AJ3	۰/۶۸۷۹
۷	DH2	۰/۹۳۶۱	۴۴	AH1	۰/۶۸۳۱
۸	AS3	۰/۹۳۴۸	۴۵	AJ2	۰/۶۷۸۱
۹	AS5	۰/۹۳۳۲	۴۶	AH5	۰/۶۷۴۰
۱۰	AH3	۰/۹۳۲۸۰	۴۷	NKH6	۰/۶۶۹۰
۱۱	DSH3	۰/۹۳۰۱	۴۸	SHA7	۰/۶۶۰۱
۱۲	AH4	۰/۹۲۶۱	۴۹	SHA6	۰/۶۵۷۰
۱۳	ND1	۰/۹۰۸۹	۵۰	SHE4	۰/۶۴۸۲

رتبه	گویه	*CCi*	رتبه	گویه	*CCi*
۱۴	ND8	۰/۸۹۵۷	۵۱	DH3	۰/۶۴۱۷
۱۵	ND4	۰/۸۸۹۰	۵۲	DSH6	۰/۶۲۴۷
۱۶	AS4	۰/۸۸۵۷	۵۳	DSH1	۰/۶۰۴۷
۱۷	AH2	۰/۸۸۰۷	۵۴	ZA6	۰/۵۷۴۹
۱۸	AP4	۰/۸۷۶۳	۵۵	SHE3	۰/۵۷۱۳
۱۹	AP5	۰/۸۷۱۴	۵۶	ZZ3	۰/۵۶۵۵
۲۰	ND2	۰/۸۷۰۷	۵۷	NKH4	۰/۵۶۰۷
۲۱	AH6	۰/۸۶۸۲	۵۸	NKH1	۰/۵۵۸۷
۲۲	ND5	۰/۸۶۲۷	۵۹	AJ1	۰/۵۴۳۸
۲۳	SHA1	۰/۸۶۰۹	۶۰	AP1	۰/۵۳۰۰
۲۴	SHA5	۰/۸۵۴۰	۶۱	ND3	۰/۴۸۹۱
۲۵	ZA4	۰/۸۵۰۸	۶۲	NKH5	۰/۴۷۵۶
۲۶	ZZ5	۰/۸۰۰۵	۶۳	SHA4	۰/۴۶۵۶
۲۷	DSH7	۰/۷۹۵۰	۶۴	ZA3	۰/۴۵۹۳
۲۸	DSH2	۰/۷۸۵۵	۶۵	ZZ7	۰/۴۴۷۶
۲۹	ZZ1	۰/۷۸۰۴	۶۶	DH4	۰/۴۲۲۲
۳۰	SHA8	۰/۷۷۵۰	۶۷	ZA2	۰/۴۱۹۰
۳۱	ND7	۰/۷۶۸۰	۶۸	ZZ6	۰/۴۱۵۷
۳۲	AJ4	۰/۷۶۴۲	۶۹	ND6	۰/۴۱۳۵
۳۳	AP2	۰/۷۶۰۸	۷۰	SHE5	۰/۴۱۰۸
۳۴	SHA2	۰/۷۵۶۰	۷۱	ZA1	۰/۴۰۰۳
۳۵	NKH3	۰/۷۵۱۰	۷۲	ZA7	۰/۳۸۸۳
۳۶	SHA3	۰/۷۴۲۹	۷۳	SHE2	۰/۳۶۴۰
۳۷	SHE1	۰/۷۳۹۹	۷۴	ZZ8	۰/۳۴۷۶

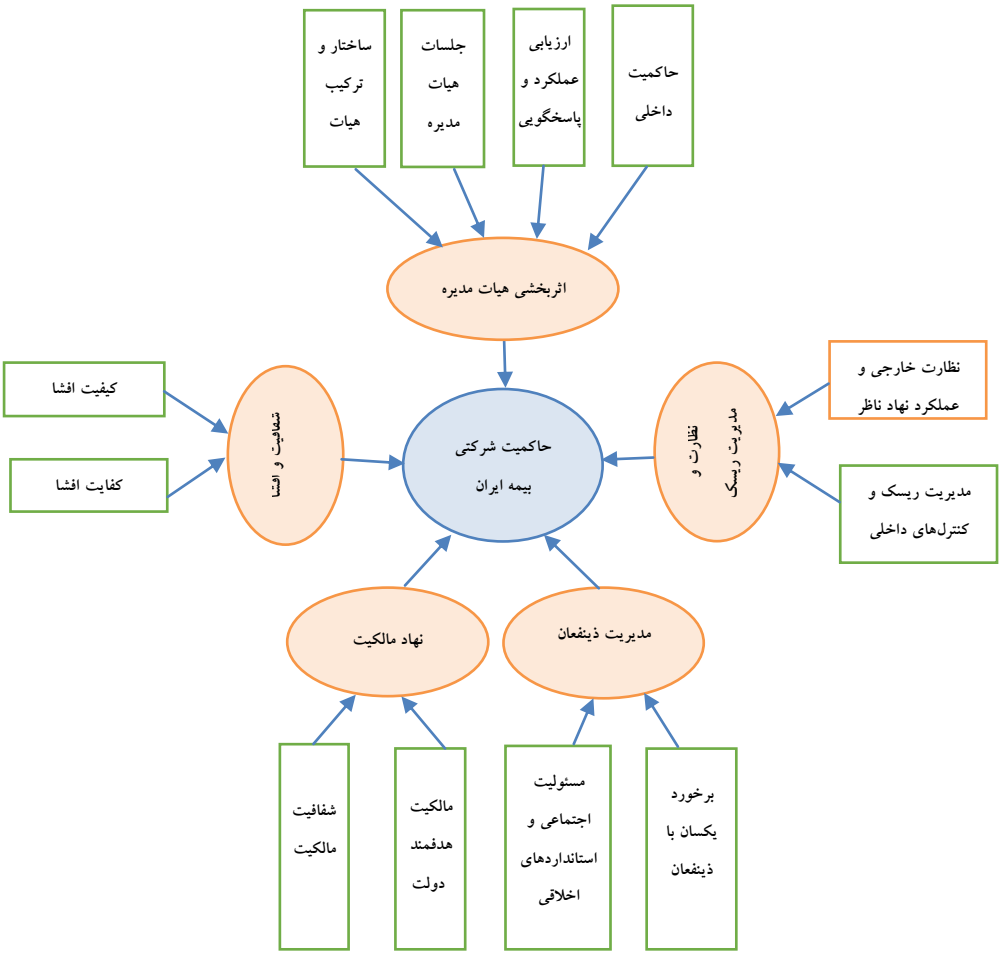
منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از اولویت‌بندی مولفه‌های مدل تحقیق نشان داد در بین ۱۰ مولفه اول ۶ مولفه مربوط به اثربخشی هیأت مدیره است. مولفه تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره و

مدیرعامل رتبه اول، صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت مدیره رتبه دوم، مکانیزم پاسخگویی هیأت مدیره به مجمع عمومی رتبه سوم، تفکیک نقش حسابرسی و بازرسی قانونی رتبه چهارم، گزارش رضایت ذی‌نفعان به مجمع رتبه پنجم را دارد. با این حال می‌توان ادعا کرد ۱۰ مولفه اول در رتبه‌بندی اختلاف وزنی اندکی نسبت به هم دارند. در بین ۱۰ مولفه با کمترین وزن‌ها، ۶ مولفه مربوط به مدیریت ذی‌نفعان است. کمترین رتبه مربوط به نماینده منتخب کارکنان است. داشتن وب‌گاه انگلیسی زبان در رتبه ۷۳ و ارتباط با نهادهای اجتماعی در رتبه ۷۲ قرار گرفتند.

۵. جمع‌بندی و پیشنهادها

این تحقیق با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت بیمه ایران انجام شده است. برای این منظو، در ابتدا عوامل حاکمیت شرکتی مطلوب با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون شناسایی شد و بر اساس آن مدل حاکمیت شرکتی در بیمه ایران از ۵ بعد اصلی تشکیل شده است. در اجماع نظر خبرگان از طریق روش دلفی نشان داده شد که ابعاد شناسایی شده، عوامل درونی و بیرونی حاکمیت شرکتی را پوشش می‌دهند.



شکل ۱. مدل نهایی تحقیق

منبع: یافته‌های تحقیق

مدل به‌دست آمده با نتایج تحقیق ناصری (۱۳۹۵) در ابعاد ترکیب و ساختار هیأت مدیره، شفافیت، ذی‌نفعان و کنترل و پاسخگویی و نهاد مالکیت همپوشانی دارد و نشان می‌دهد این مدل با ابعاد حاکمیت خوب در بخش عمومی (دولتی) هم راستا است. مقایسه ابعاد مدل تحقیق با مدل‌های بین‌المللی حاکمیت شرکتی به‌شرح جدول زیر است.

جدول ۷. مقایسه تطبیقی ابعاد مدل تحقیق با مدل‌های معتبر بین‌المللی

ردیف	مدل های معتبر جهانی	ابعاد مشترک با مدل تحقیق	ردیف	مدل های معتبر جهانی	ابعاد مشترک با مدل تحقیق
۱	GGI	-اثربخشی هیأت مدیره -حسابرسی و ریسک و پاسخگویی خارجی -روابط با ذی نفعان	۵	OECD	-نقش ذینفعان -شفافیت و افشای اطلاعات -مسئولیتهای هیئت مدیره
۲	IFAC و CIPFA	- نظارت داخلی و مدیریت ریسک - ارتباط با ذینفعان	۶	ASX	-ساختار هیئت مدیره -اثربخشی هیئت مدیره -مشارکت با ذینفعان -مدیریت ریسک ،پذیرش و پاسخگویی
۳	FTSE	- هیأت مدیره - نظارت - مالکیت حقوق و روش‌های حفاظتی ذینفعان	۷	GMI	-پاسخگویی هیئت مدیره -افشای مالی و کنترل های داخلی -حقوق ذینفعان
۴	GAMMA	- اثرات مالکیت - شفافیت حسابرسی و مدیریت ریسک - اثربخشی هیئت مدیره	۸	IIS	-ساختار و ترکیب هیئت مدیره -حسابرسی و نظارت

منبع: یافته‌های تحقیق

به منظور رتبه‌بندی عناصر مدل از تکنیک تاپسیس فازی استفاده شد. این پژوهش از این حیث با نوآوری ساختار مواجه است که استناد به نتایج آن می‌تواند تأثیرات مفید و مثبتی در راستای تعیین شاخص‌های حاکمیت شرکتی مطلوب بیمه ایران، عاید ذی‌نفعان موضوع نماید. نتایج این تحقیق نشان داد از ۱۰ مولفه با بالاترین رتبه ارزشی، ۶ مولفه مربوط به اثربخشی هیأت مدیره است و در بین ۱۰ مولفه با پایین‌ترین رتبه ارزشی، ۶

مولفه مربوط به مدیریت ذی‌نفعان است. برطبق نتایج، اثربخشی هیأت مدیره با اهمیت‌ترین و مدیریت ذی‌نفعان کم اهمیت‌ترین عوامل در مدل حاکمیت شرکتی شرکت بیمه ایران می‌باشد. نتایج تحقیق کاویانی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند حاکمیت شرکتی بر کارایی شرکت‌های بیمه تأثیر مستقیم و مثبتی دارد، پس با بهبود حاکمیت شرکتی می‌توان کارایی بیشتری را انتظار داشت. در این تحقیق شاخص تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل با عدد ۹۶۷۵/ ۰بیشترین وزن ارزشی را در بین ۷۴ شاخص داشت. سندا و همکاران (۲۰۱۰) و فاما و جنسن (۱۹۸۳) نشان دادند عدم تفکیک منجر به خدشه‌دار شدن استقلال و سواستفاده از قدرت می‌شود و بر عملکرد شرکت اثر منفی دارد. در تحقیقات دالتون و همکاران (۲۰۱۱)، حنیفه و حدید (۲۰۰۴) و براون و کایلور (۲۰۰۴) نیز این موضوع تأیید شده است. صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت مدیره دومین شاخص از نظر رتبه وزنی قرار گرفت. در تحقیق پورسید و همکاران (۱۳۹۵)، حجازی و مختاری نژاد (۱۳۹۶)، کاویانی و همکاران (۱۳۹۷)، هو و پتچسالونگ (۲۰۱۰) و بلک و همکاران (۲۰۰۶) اهمیت صلاحیت و اولویت آن در اثربخش بودن هیأت مدیره مشخص شد. در تحقیقات فیلاچیو و همکاران (۲۰۱۸)، روث و همکاران (۲۰۱۶)، تانگ و همکاران (۲۰۱۵) و ناصری (۱۳۹۵) مشخص شد مالکیت نهادی و متمرکز عاملی در کارایی حاکمیت شرکتی است. یکی از ابعاد مدل تحقیق نهاد مالکیت است که شامل مالکیت هدفمند دولت و شفافیت آن می‌باشد و عاملی است که در آیین‌نامه ۹۳ شورای عالی به آن پرداخته نشده و به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت بیمه ایران شناسایی شد. با توجه به وزن شاخص‌ها حاصل از نتایج مشخص شد، مهم‌ترین بعد حاکمیت مطلوب شرکتی در بیمه ایران اثربخشی هیأت مدیره است. در ایران طبق قانون تجارت، اساسنامه هر شرکت، مبنایی برای شاخص‌های اثربخشی هیأت مدیره است. در شرکت بیمه ایران تعداد اعضای هیأت مدیره مطابق با اصول قانون تجارت است که بدون در نظر گرفتن مالکیت دولتی و گستردگی بیمه ایران بنا شده و تفاوتی با سایر شرکت‌های فعال در

صنعت بیمه کشور ندارد. در بررسی اساسنامه شرکت بیمه ایران مشخص شد، مهم‌ترین مولفه حاصل از نتایج این تحقیق، یعنی تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل صورت نگرفته و طبق اساسنامه شرکت بیمه ایران مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره می‌باشد. تفکیک نقش بازرس و حسابرس قانونی نیز به عنوان چهارمین مولفه با اهمیت شناسایی شد. در حالی که متولی این دو نقش در شرکت بیمه ایران سازمان حسابرسی کل کشور می‌باشد. با بررسی سند راهبردی شرکت بیمه ایران و مجموعه قوانین داخلی سازمان مشخص شد، در خصوص نحوه انتخاب و انتصاب اعضای هیأت مدیره و فرایند انتصاب مدیرعامل شرکت بیمه ایران پروتکل مشخصی وجود نداشته و این موضوع می‌تواند تضاد منافع را افزایش دهد. در خصوص نحوه ارزیابی عملکرد هیأت عامل و هیأت مدیره نیز دستورالعمل و یا فرایندی تعریف نشده و پروتکل تشکیل جلسات هیأت مدیره و تفکیک دفاتر هیأت مدیره و هیأت عامل نیز در حال حاضر در شرکت بیمه ایران وجود ندارد، در حالی که عوامل مزبور طبق نتایج این تحقیق، منجر به اثربخشی هیأت مدیره خواهد شد و اثربخشی هیأت مدیره مهم‌ترین عامل در حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت بیمه ایران است. گزارش رضایت ذی‌نفعان به مجمع به عنوان پنجمین مولفه مهم در حاکمیت شرکتی بیمه ایران شناسایی شد. در حالی که فرایندی نظام‌مند یا اقدامی عملیاتی و الزام گزارش آن به مجمع عمومی در دستور کار شرکت بیمه ایران پیش‌بینی نشده است.

در نهایت، با توجه به اهمیت اثربخشی هیأت مدیره و مولفه‌های تشکیل‌دهنده براساس نتایج این تحقیق، پیشنهاد می‌گردد شرکت بیمه ایران به منظور ارتقای حاکمیت شرکتی مطلوب، تدوین پروتکل برگزاری جلسات هیأت مدیره، تدوین نظام‌نامه ارزیابی عملکرد هیأت مدیره و هیأت عامل، تفکیک دفاتر هیأت مدیره و هیأت عامل در ساختار عملیاتی، برقراری آموزش‌های تخصصی برای اعضای هیأت مدیره و امکان‌سنجی و تدوین نظام عملیاتی جهت پاسخگویی هیأت مدیره به مجمع عمومی و همچنین تعریف مکانیزم پاسخگویی مدیرعامل به هیأت مدیره را در دستور کار قرار

دهد. از آنجا که تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تفکیک نقش حسابرس و بازرس قانونی به عنوان اوزان برتر مولفه‌ها شناسایی شد، پیشنهاد می‌گردد امکان‌سنجی تغییر تبصره یک ماده ۱۱ و ماده ۱۶ اساسنامه بیمه ایران مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به رتبه وزنی مولفه گزارش رضایت ذی‌نفعان به مجمع عمومی پیشنهاد می‌گردد با توجه به جایگاه اثرگذار ذی‌نفعان خارجی (بیمه‌گذاران، نمایندگان وکارگزاران، زیان‌دیدگان) مکانیزمی توسط سازمان اتخاذ شود که سنجش رضایت ذی‌نفعان در قالب طبقه‌بندی گروه‌های هدف به شکل سالانه اندازه‌گیری و در اختیار هیأت مدیره قرار گیرد. از آنجا که حاکمیت شرکتی به‌عنوان ابزاری بهینه در حمایت از حقوق سهامداران و ذی‌نفعان در صنعت بیمه جایگاه ویژه‌ای دارد، به محققان پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به بررسی مدل بهینه حاکمیت شرکتی در شرکت‌های خصوصی بپردازند. تدوین آیین‌نامه نظام جامع راهبرد و حاکمیت شرکتی کلیه شرکت‌های دولتی تحت مطالعات تطبیقی پیشنهاد دیگر تحقیق به پژوهش‌های آتی است. زیرا، یکسان سازی و ساماندهی یکپارچه حاکمیت شرکت‌های دولتی که مالک آن دولت می باشد در برقراری یک نظام سالم و مطلوب حاکمیت شرکتی موثر خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌راست (CC) رعایت شده است.

منابع

آذر، عادل و رجب‌زاده، علی. (۱۳۹۶). تصمیم‌گیری کاربردی (رویکرد MADM). تهران: انتشارت نگاه دانش، چاپ هفتم.

بنویدی، مجید. (۱۳۹۰). لزوم برقراری حاکمیت شرکتی در صنعت بیمه. هجدهمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه، تهران: پژوهشکده بیمه، ۸ آذرماه ۱۳۹۰.

پاک مرام، عسگر و لطفی، بهرام. (۱۳۹۷). ارتباط حاکمیت شرکتی با عملکرد مالی و ریسک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه بیمه*، ۳۱(۴): ۴۸-۲۵.

پورسید، بهزاد.، حسینی، سیدمحمدرضا و سهرابی، لیلا. (۱۳۹۵). راهکارهای بهبود نظام حاکمیت شرکتی ایران با تأکید بر شاخص حمایت از سهامداران خرد بانک جهانی. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۱(۸۱): ۹۶-۵۷.

حجازی، رضوان و مختاری‌نژاد، حمیدرضا. (۱۳۹۶). رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۷(۱): ۷۷-۵۵.

حمیدیان، محسن.، نعمتی کشتلی، رضا و مدنی، سیدمجتبی. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۶ آذرماه.

شورورزی، محمدرضا.، خلیلی، محسن.، سلیمانی، حمید و فروتن، امید. (۱۳۹۴). ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱(۳۲): ۱۳۹-۱۲۱.

عالم تبریز، اکبر.، رجبی پورمیبدی، علیرضا و زارعیان، محمد. (۱۳۸۸). بررسی کارکرد تاپسیس فازی در بهبود سنجش کارایی شعب بانک‌ها با استفاده از تکنیک DEA. *مدیریت صنعتی*، ۱(۳): ۱۱۸-۹۹.

قلی پور، رحمت‌الله.، مشایخی، بیتا و ناصری، امین. (۱۳۹۵). حاکمیت شرکتی در بخش عمومی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی. *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱۴(۴): ۱۳۰-۱۰۷.

کاویانی، میثم.، حمیدیان، محسن و بوستانی، سارا. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی صنعت بیمه. *پژوهشنامه بیمه*، ۳۳(۳): ۴۰-۲۳.

ناصری، امین. (۱۳۹۵). طراحی چارچوب حاکمیت شرکتی خوب در بنگاه های اقتصادی بخش عمومی. رساله دکترای تخصصی مدیریت تکنولوژی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

Brown, L. & Claylor, M. (2009). Corporate governance and firm performance. Review of Quantitative Finance and Accounting, 32(2): 129-144

Boubakri, N., Cosset, J. C. & Guedhami, O. (2003). Postprivatization corporate governance: The role of ownership structure and investor protection. Journal of Financial Economics, 76(2): 369-399.

Black, B. S., Jang, H. & Kim, W. (2006). Does corporate governance predict firms' market values? Evidence from Korea. Journal of Law, Economics, and Organization, 22(2): 366-413.

Dalton, D. & Dalton, C. M. (2011). Trips and tips for negotiation self-defense: Forewarned is forearmed. Business Horizons, 54(1): 63-72.

Erickson, J., Park, Y., Reising, J. & Shin, H. (2005). Board composition and firm value under concentrated ownership: the Canadian evidence. Pacific-Basin Finance Journal, 13(4): 387-410.

Fama, E. F. & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. Journal of Law and Economics, 26(3): 301- 325.

Filatotchev, I., & Poulsen, A. & Bell, R. G. (2019). Corporate governance of a multinational enterprise: Firm, industry and institutional perspectives. Journal of Corporate Finance, 57(C): 1-8.

Haniffa, R. & Hudaib, M. (2006). Corporate governance structure and performance of Malaysian listed companies. Journal of Business Finance & Accounting, 33(7-8): 1034-1062.

Hsu, W.Y. & Petchsakulwong, P. (2010). The impact of corporate governance on the efficiency performance of the Thai non-life insurance industry. The Geneva Papers on Risk and Insurance-Issues and Practice, 35(1): S28-S49.

Hashi, I. (2004). The legal framework for effective corporate governance: Comparative analysis of provisions on selected transition economies. CASE Network Studies and Analyses 0268, CASE-Center for Social and Economic Research.

Jiraporn, P., Chatjuthamard, P., & Tong, S. & Kim, Y. S. (2015). Does corporate governance influence corporate risk-taking? Evidence from the Institutional Shareholders Services (ISS). Finance Research Letters, 13(C): 105-112.

Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2010). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues. Policy Research working paper; no. WPS 5430. World Bank.

Muth, M. & Donaldson, L. (1998). Stewardship theory and board structure: A contingency approach. Corporate Governance: An International Review, 6(1): 5-28.

Osborne, S. P. (2006). The new public governance. Public Management Review, 8(3): 377-387.

Sanda, A., Mikailu, A. S. & Garba, T. (2010). Corporate governance mechanisms and firm financial performance in Nigeria. Afro-Asian Journal of Finance and Accounting, 2(1): 22-39.

Tang, H. W., Chen, A., & Chang, C. C. (2013). Insider trading, accrual abuse, and corporate governance in emerging markets - Evidence from Taiwan. Pac Basin Finance, 24(C): 132–155.